



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرأیا  
علیها یصی  
الرأیا

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



به رنگ خدا

شرح رفتار شما و خدا

حسین سلیمانی



۱۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رهنما ۱۱۲ (به رنگ خدا)

نویسنده:

حسین سلیمانی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	رهنما ۱۱۲ (به رنگ خدا)
۸	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۵	دریچه
۱۷	درآمد
۱۹	فصل اول. نقطه گذاری!
۱۹	اشاره
۲۱	منیت
۲۱	اشاره
۲۲	پنجره
۲۳	پنجره
۲۴	پنجره
۲۴	پنجره
۲۵	فصل دوم. بنده، بنده هستم!
۲۵	اشاره
۲۷	بندگی
۲۷	اشاره
۲۸	پنجره
۲۹	پنجره
۳۰	پنجره
۳۲	پنجره
۳۳	فصل سوم. انسان نامرئی
۳۳	اشاره

۳۵	.....	اخلاص
۳۵	.....	پنجره
۳۶	.....	پنجره
۳۷	.....	پنجره
۳۸	.....	پنجره
۳۹	.....	فصل چهارم. بازیگری عاشقانه!
۳۹	.....	اشاره
۴۱	.....	زیبا شناسی
۴۲	.....	پنجره
۴۳	.....	پنجره
۴۴	.....	پنجره
۴۵	.....	پنجره
۴۷	.....	فصل پنجم. درخواست های غیر عالمانه!
۴۷	.....	اشاره
۴۹	.....	دعا کردن
۵۰	.....	پنجره
۵۱	.....	پنجره
۵۱	.....	پنجره
۵۲	.....	پنجره
۵۵	.....	فصل ششم. در جست وجوی نقشه گنج!
۵۵	.....	اشاره
۵۷	.....	وظیفه
۵۷	.....	پنجره
۵۸	.....	پنجره
۵۹	.....	پنجره
۶۰	.....	پنجره

۶۱ ----- خلاصه

۶۲ ----- بیشتر بخوانیم

۶۵ ----- درباره مرکز

## رهنما ۱۱۲ (به رنگ خدا)

### مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمانی، حسین، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدید آور : به رنگ خدا: شرح رفتار شما و خدا/ حسین سلیمانی؛ تهیه و تنظیم اداره پاسخ گویی به سوالات دینی آستان قدس رضوی.

مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۵۶ص.: مصور (رنگی).؛ ۱۷×۱۱ س.م.

فروست : به نشر، انتشارات آستان قدس رضوی؛ ۲۲۰۷.

رهنما؛ ۱۱۲.

شابک : ۴۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۷۱۲-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ قبلی : انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۳.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : شرح رفتار شما و خدا.

موضوع : عشق و عبادت الهی (اسلام)

موضوع : God (Islam) -- Worship and love

موضوع : دعا

موضوع : Prayer

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. اداره پاسخگویی به سوالات دینی و اطلاع رسانی

شناسه افزوده : شرکت به نشر(انتشارات آستان قدس رضوی)



شناسه افزوده : Behnashr Company (Astan Quds Razavi Publications)

رده بندی کنگره : BP226/2/س 835 ب 9 1396

رده بندی دیویی : 297/466

شماره کتابشناسی ملی : 4727053

ص: 1

اشاره

تصوير

□

ص: ۲

تصوير

□

ص: ٢

تصوير

□

ص: ٤





به رنگ خدا

شرح رفتار «شما» و «خدا»

### دریچه

به خدایت فکر می کنی و به رابطه ات با "او"

از خودت سوال می کنی :

۱- منیت چیست و چگونه باید در رابطه ات با خدا منیت را از بین ببری؟

۲- کار کردن برای خدا چیست و چگونه باید به دستش بیاوری؟

۳- چه باید بکنی تا بنده خدا باشی؟

۴- در دعا کردن و داشتن درخواست از خدا چه رفتاری باید داشته باشی؟

۵- و به طور کلی رفتارت با خداوند چگونه باید باشد؟

"به رنگ خدا" فرمول هایی است در جهت پاسخ به سوالات بالا و شرح رفتار "تو" با "خدایت" بر اساس مبانی اسلام.

ص: ۷

تصوير

□

ص: ٨



یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن ... ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است.

قرار است کالبدشکافی کنی. در ذهنت تصور می کنی که تیغ جراحی را به دست می گیری. دستت کمی می لرزد. چشمانت را می بندی و نفس عمیقی می کشی. با خودت مبارزه می کنی و سعی می کنی آرام باشی. کالبدشکافی را دوست نداری. سروکار داشتن با خون، دل، روده و باقی اجزای بدن، حالت را بد می کند؛ اما ...

اینجا خبری از اجزای بدن نیست و جسمی را دستکاری نمی کنی که حالت بد شود. اینجا قرار است به خدایت فکر کنی و به رابطه ات با «او» و جزئیات این ارتباط. این کالبدشکافی فرق دارد.



## فصل اول. نقطه گذاری!

### اشاره

تصویر

□

ص: ۱۱

تصوير

□

ص: ١٢

دقت کرده اید؟! گاهی یک نقطه می تواند معنای یک جمله را کاملاً عوض کند؛ مثلاً «جدا» اگر نقطه اش برود بالا، می شود «خدا». یا در «رحیم» که به شیطان می گوئیم، اگر نقطه جیم را برداریم، می شود «رحیم» که به خدا می گوئیم! یا اگر بر روی «ح» در کلمه «حُر»، یک نقطه بگذاریم، می شود همان حیوان دوگوشی که گاهاً بعضی ها مانندش در گل گیر می کنند؛ «حُر»! یعنی فاصله میان «حُر» و «حُر» فقط یک «نقطه» است! خلاصه که این «.» کارهای زیادی می کند و همین دایره ریزی که اصلاً به حساب نمی آید، می تواند برای کسی آبادانی یا ویرانی داشته باشد.

به نظر می رسد تمام مشکلات بشر از نبود همین «.» در وجود بعضی آدم ها به وجود آمده است! اگر همین یک نقطه در وجود آدم ها و فقط بین تنها دو حرف قرار می گرفت، دیگر شاهد این همه مشکلات آدمی نبودیم. همه مفسد عالم، ظلم ها، تبعیض ها، جنگ ها و خونریزی ها که در دنیا اتفاق می افتد، همه اموری که زندگی را بر بشر تلخ می کند و آدمی را از سعادت خود دور می کند، به خاطر نبودن همین «.» بین دو حرف است

و مشکل از آنجا شروع شد که بین آن دو حرف، «نقطه» قرار نگرفت؛ «میم» و «نون».

اگر نقطه بین «میم» و «نون» قرار گرفته بود، شکستگی را به ارمغان می آورد و وقتی کسی شکسته شود و خودش را «من» به حساب نیاورد، دیگر در مقابل فرامین خدا نمی ایستد.

جدای از کاربرد فراوان «نقطه» در دستور زبان نوشتاری، جایی که «نقطه» بیش از همه کاربرد دارد، «دستور زبان بندگی» است و اساساً شروع «دستور زبان بندگی»، از همین «.» است.

بیاید همین ابتدا بین «میم» و «نون» روحمان یک «.» بگذاریم و کلمه «من» را از دستور زبان مان حذف کنیم؛

چراکه این کلمه در فرهنگ لغت بندگی وجود ندارد و یک کلمه بیگانه محسوب می شود. کسی که بنده است، اساساً این کلمه را نمی شناسد و برایش همچون لغتی بیگانه است. فکر می کنم حالا فرمول شروع بندگی مشخص شده باشد. این فرمول از این قرار است:

### پنجره

«م» + «.» + «ن» = «م.ن»

«م.ن»؟ بله! درستش همین است. «من» در بندگی معنا ندارد و انسان باید «م.ن» باشد. باید یک چیزی بیاید و نگذارد که فکر کنیم کسی

ص: ۱۴

هستیم. باید خود را در مقابل خدا کوچک، حقیر و ناچیز ببینیم. باید «میم» و «نون» در روحمان از یکدیگر جدا باشند. وصل شدن این دو حرف به یکدیگر فرزندان می دهد به نام های «غرور»، «خودپسندی» و «خودبرتربینی».

## پنجره

امام رضا در این باره می فرماید:

لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ أَتْقَى:

«عقل شخص مسلمان کامل نیست، مگر اینکه» احدی را ننگرد، جز اینکه بگوید: او از من بهتر و پرهیزکارتر است. (۱)

همین یک نقطه، همین دایره ریز کوچک اگر بین «میم» و «نون» وجودمان قرار بگیرد، شیوه زندگی مان را عوض می کند. آن زمان است که دیگر احساس نمی کنیم کسی یا چیز خاصی هستیم و روحمان به اصل خودش بازمی گردد، به اصل فقیر بودنش در مقابل دارایی های خدا، به اصل هیچ بودنش در مقابل قدرت خداوند و به این اصل که اگر چیزی هم دارد، لطف خداست و از خودش نیست و اساساً انسان بدون خدا وجود ندارد. همین یک نقطه کوچک میان جهنمی شدن و بهشتی شدن آدم ها فاصله می اندازد:

ص: ۱۵

«هر کدام از ما در درون خودمان و از وجود خودمان شیطانی داریم که همان «من» ماست. قدم اول در راه خدا، شکستن خویشتن و خود را فقیر و تهیدستِ مطلق دیدن است».(۱)

حالا کمی درباره شیطان فکر کنیم؛ اینکه که بود و عاقبتش چه شد؟ اینکه علل و عوامل این وضعیت در وی چه بوده است؟ اینکه چه چیزی در وجودش بود که باعث شد فرمان خداوند را زیر پای بگذارد؟ و اینکه به نظر شما اگر شیطان بین «میم» و «نون» وجودش یک «.» گذاشته بود و «م.ن» بود، شیوه و نتیجه زندگی اش چه می شد؟

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ.

خداوند گفت: شیطان چه چیزی مانعت شد که وقتی فرمان دادم به آدم سجده کن، سجده نکردی؟ شیطان گفت: من از او بهترم، من را از آتش آفریده ای و او را از گل.(۲)

---

۱- .بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۳۰/۱/۱۳۶۹.

۲- .اعراف: ۱۲.



اشاره

تصویر

□

ص: ۱۷

تصوير

□

ص: ١٨

در شبانه روز نه بار در نمازهایمان می گوییم:

أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ:

شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده خداست.

اول شهادت به بنده بودن!

دوم شهادت به فرستاده خدا بودن!

چرا بنده بودن اول است و فرستاده خدا بودن دوم؟! این مسئله را بگذارید گوشه ذهنتان و نگه دارید.

خداوند به ابراهیم فرمان داد که فرزندش اسماعیل را قربانی کند و بعد در ادامه ماجرا کُندی چاقو و بریده نشدن گلو و...؛ عجیب نیست؟! خدا به پیامبرش فرمان دهد فرد بی گناهی را بکشد؟ برای چه؟ این قصه را هم گوشه ذهنتان نگه دارید.

فرض کنید خدای نکرده مریض شده اید. به یک دکتر متخصص خوب مراجعه می کنید. شما تخصص آن دکتر را در پزشکی واقعاً قبول دارید. دکتر دستور انجام کاری می دهد و شما با اینکه دقیقاً نمی دانید دکتر

چرا این دستورها را می دهد، به دستوراتش عمل می کنید و سعی می کنید قرص ها، کپسول ها و... را دقیقاً سر ساعت مصرف کنید! چرا به حرف دکتر گوش می دهید و دستوراتش را بی چون و چرا عمل می کنید؟! این را هم بگذارید گوشه ذهنتان.

در مدرسه ابتدایی که بودیم، توان فهم مسائل ریاضی دبیرستان را نداشتیم؛ چرا بعد که به دبیرستان رسیدیم، فهم آن مسائل ساده شد؟ این را هم گوشه ای از ذهنتان جای بدهید و بعد همه چیزهایی را که در گوشه ذهنتان گذاشته اید بگذارید وسط

## پنجره

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا.

«عیسی علیه السلام» گفت: من بنده خدایم، خداوند مرا کتاب داده و پیغمبر قرار داده است. (۱)

در نماز اول، شهادت به بنده بودن پیامبر می دهیم و بعد شهادت به پیامبری اش؛ چون برای رسول شدن اول باید بنده و عبد شد، و خدا رسالتش را به کسانی می دهد که بیش از همه عبد و بنده اش باشند و این برای همه پیامبران بوده است که ابتدا عبد بوده اند، بعد رسول، نبی و... «عبد» یعنی چه؟! یعنی بندگی بی چون و چرا؛ یعنی هرچه

ص: ۲۰

خدا گفت، حتی اگر دلش را نفهمیدیم، عمل کنیم.

## پنجره

راه اینکه این وظیفه مهم، یعنی ادای حق بندگی را درست انجام دهیم، چیست؟ راهش را در روایات، ادعیه و مانند اینها بیان کرده اند. دو راه وجود دارد؛ یکی راه خداست و دیگری راه هواهای نفسانی. راه خدا، در مقابل راه نفسانی است. اگر انسان در راه خدا حرکت کند، به آن هدف اعلی و نهایی؛ یعنی ادای حق بندگی خواهد رسید. (۱)

بالآخره در زندگی برای هرکسی روزی این اتفاق می افتد که فرمان خدا را می بیند؛ ولی با عقل کوچک خودش جور در نمی آید و بعد چون دلش را نمی فهمد، در عمل به آن چون و چرا می کند و به دنبال توجیه های مختلف می گردد تا به آن فرمان خدا عمل نکند. در طول زندگی این آزمایش برای همه به وجود خواهد آمد؛ اما موفقیت در این آزمون از آن کسی است که به حرف های خدا بدون چون و چرا عمل کند؛ مثل ابراهیم که خدا امتحانش کرد تا ببیند چقدر بنده اوست و تا کجا حاضر است به فرمان های خدا بی چون و چرا عمل کند و در این آزمون پیروز شد. مدرسه ابتدایی و نفهمیدن مسائل دبیرستان هم

ص: ۲۱

---

۱- .بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۲۹/۶/۱۳۷۳.

پاسخش ساده است. لازم است انسان برای فهمیدن برخی مسائل، فهم و سوادش را بیشتر کند و به حدی برسد که بتواند آن مسائل را درک کند. اگر در مسیر بندگی هم با مطالعات دینی و عمل کردن به دستورات خداوند و... عقلمان را رشد دهیم، دیگر دستوره‌های خدا برایمان عجیب نیست و کم کم می شویم بنده واقعی و حتی اگر دلیل چیزی را هم نفهمیم، به دکترمان، به خدایمان اعتماد داریم و می دانیم کاری بر خلاف سلامتی و رستگاری ما از ما نمی خواهد و هر دستوری که می دهد، نفعش برای خودمان است. کاش به اندازه ای که به دکتري که مخلوق خداست، اعتماد داریم، به دکتر اصلی مان که خدا باشد هم اعتماد داشته باشیم و به دستوره‌هایش بی چون و چرا عمل کنیم، آن وقت است که خدا نیز خشنود خواهد شد و خشنودی خدا یعنی برکت تمام عیار

## پنجره

امام رضا می فرمایند:

وَاعْلَمُوا أَنَّ رَأْسَ طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ التَّسْلِيمُ لِمَا عَقَلْنَاهُ وَ مَا لَمْ نَعْقِلْهُ ... وَإِنَّمَا امْتَحَنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّاسَ بِطَاعَتِهِ لِمَا عَقَلُوهُ وَ مَا لَمْ يَعْقِلُوهُ إِجَاباً لِلْحُجَّةِ وَ قَطْعاً لِلشُّبْهَةِ.

بدان که سرچشمه اطاعت و فرمانبرداری از خداوند این است که ما تسلیم بدون قید و شرط خدا باشیم؛ چه در اموری که

عقل، آن‌ها را درک می‌کند و چه اموری که عقل آن‌ها را درک نمی‌کند ... همانا خداوند مردم را به اطاعت و فرمانبرداری خود آزمایش می‌کند؛ خواه چیزی که با آن آزمایش می‌شوند برای آنان قابل فهم باشد، خواه نباشد و هدف آزمایش این است که حجت خداوند بر مردم الزام آور باشد و شبهه‌ای در اطاعت و عدم اطاعت از خداوند باقی نماند. (۱)

واقعاً بی‌انصافی است در عمل به دستور پزشکی که بنده خداست، چون و چرا نمی‌کنیم و دستوراتش را عمل می‌کنیم، ولی در عمل به دستورات خالق و خدای همان دکتر و کسی که تمام عالم و کائنات از اوست، چون و چرا می‌کنیم؛ چرا باید حجاب داشت؟ چرا باید نماز بخوانم؟ چرا ارث اینگونه است؟ چرا هر نوع موسیقی حلال نیست؟ چرا؟ چرا؟ بی‌انصافی نیست؟! کسی نمی‌گوید سؤال نشود، تحقیق نشود، بحث نشود، خیر ... همه این‌ها لازم است؛ اما در مقام عمل باید عبد بود و وقت عمل که رسید، همه این‌ها را کنار گذاشت. حالا فرمول بندگی می‌شود این:

ص: ۲۳

شناسایی فرمان خدا + عمل کردن به فرمان، بدون چون و چرا = بندگی

این فرمول یعنی اول باید حواسمان باشد که خدا چه می گوید و از ما چه می خواهد، بعد جایی که فهمیدیم خدا فرمانی داده است، حتی اگر دلیلش را نفهمیدیم، چون و چرا نکنیم و بدون تردید فرمان خدا را عمل کنیم؛ اگر چنین باشد، می شود بندگی!

حالا چشمانتان را ببندید و زندگی تان را تصور کنید؛ در حالی که به فرمول بندگی عمل می کنید، چه تغییری در آن مشاهده می کنید؟ اگر همه مردم از فرمول بندگی استفاده می کردند، چه می شد؟



اشاره

تصویر

□

ص: ۲۵

تصوير

□

ص: ٢٦

جهان را در نظر بگیرد؛ اگر ما از آن حذف شویم، چه اتفاقی می افتد؟ یک حذف مرموز، شاید مثل کسانی که در قصه ها و فیلم ها لباس نامرئی به تن می کنند. آن ها خیلی جالب می شوند و زندگی جالبی دارند. هرکاری که انجام دهند، کسی آن ها را نمی بیند؛ مثلاً یک لیوان آب را از جایی برمی دارند؛ ولی کسی نمی بیند آن ها این لیوان را برداشته اند. رانندگی می کنند و کسی نمی فهمد راننده کیست. حتی می توانند سر چهارراه اگر پشت چراغ قرمز توقف کردند، به برخی آدم های مستحقی که شاید سر چهارراه ایستاده اند {و واقعاً مستحق اند} کمک بکنند و کسی آن ها را نبیند. چقدر جالب می شود اگر آدم بتواند این لباس نامرئی کننده را به دست بیاورد. نامرئی شدن فرمول دارد و بهتر است از این فرمول در سحرها استفاده کنید.

## پنجره

«ما» + «یک لباس نامرئی کننده» = «اخلاص»

آدم ها در زندگی شان زیاد با این مسئله مواجه می شوند که دیگران و خودشان برایشان مهم می شوند، یعنی مثلاً وقتی می خواهند کار خوبی را انجام بدهند، ته دلشان با خود می گویند چه خوب می شود دیگران هم این را بفهمند. یا اینکه گاهی وقت ها از قصد جلوی دیگران کار خوبی را انجام می دهند تا آن ها ببینند یا حتی گاهی با اینکه هیچ کس هم وجود ندارد که آن ها را ببیند؛ ولی کار را برای خودشان و دل خودشان انجام می دهند، نه خدا و خوشا به حال کسی که کارش فقط برای خدا باشد.

## پنجره

امام رضا می فرمایند:

طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَالِدُّعَاءَ.

خوشا به حال کسی که عبادت و نیایشش را فقط برای خدا انجام می دهد. (۱)

باید جهان را در نظر بگیریم با تمام موجوداتش، بعد خودمان را به وسیله یک لباس نامرئی کننده از جهان حذف کنیم و فکر کنیم اصلاً وجود نداریم و نیستیم. آن وقت آیا با این تصور، می شود کاری را برای غیرخدا انجام داد؟! لباس نامرئی کننده مانع می شود از اینکه کسی جز خدا ما را ببیند و دقیقاً تنها گروهی که شیطان نمی تواند به آن ها نفوذ کند و گمراهشان کند،

ص: ۲۸

همین انسان هایی هستند که لباس نامرئی به تن دارند و با اخلاص هستند.

## پنجره

لَأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ.

«شیطان گفت: پروردگارا! همه انسان ها را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان مخلصت را.» (۱)

اما بهتر است از این فرمول در سحر استفاده شود؛ چون سحر مال آدم های مخلص است. در سحر است که حرف های در گوشی با خدا می چسبد و در سحر است که خدا یک نگاه دیگر به آدم می کند؛ به قول بعضی ها: «سحرها سر خدا خلوت تر است و بیشتر تحویل می گیرد» و البته که خدا همیشه تحویل می گیرد و این قطعاً شوخی است؛ ولی نگاهش به کسانی که در سحر مشغول عبادت اند، ویژه است و بهترین وقت برای عبادت خداوند، سحرهاست. (۲)

ص: ۲۹

---

۱- . حجر: ۳۹-۴۰.

۲- . رسول خدا می فرماید: سحرها بهترین زمانی است که در آن خدای عزوجل را بخوانید و عبادتش کنید (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۷).

خالص بودن عبادت و خالص بودن عمل، این است که برای خدا باشد. در بین مردم متأسفانه خیلی رایج است که کارهای خوب خودشان را بر زبان بیاورند و بگویند. کأنه توجه ندارند که نباید کار نیک را به زبان آورد ... بسیاری از عبادات یا اغلب عبادات، آن روابطی که بین خود انسان و خداست (ذکر، توجه، دعا، نافله، شب زنده داری، سحرخیزی، احسان و کارهای نیک) باید بین خود انسان و خدا بماند. مبدا انسان به خاطر اینکه دیگران ببینند، کاری را انجام دهد! (۱)

ص: ۳۰

---

۱- . بیانات مقام معظم رهبری در نخستین روز ماه مبارک رمضان، ۴/۱۲/۱۳۷۱.

## فصل چهارم. بازیگری عاشقانه!

### اشاره

تصویر

□

ص: ۳۱

تصوير

□

ص: ۳۲



چند مثال بزنم؟ مثلاً دوستم شلوار آبی را زیبا می داند و دوست دارد که از شلوار آبی استفاده کند؛ ولی برادرم بیشتر به شلوار پارچه ای ساده مشکی علاقمند است و دوست دارد از شلوار مشکی پارچه ای ساده استفاده کند. همسرم دوست دارد عیدهای نوروز مسافرت برود جنوب و جنوب را برای مسافرت رفتنش در عید زیبا می داند؛ ولی یکی از دوستانم فقط در صورتی از عید نوروز لذت می برد که به شرق و روستای پدری اش برود و... .

به آدم ها که دقت کنیم، پُر هستند از تفاوت ها. یک نفر با سلایقی خاص چیزی را زیبا می داند که فرد دیگری با سلیقه ای متفاوت، همان چیز را اصلاً زیبا نمی داند که هیچ، از آن متنفر هم هست!

کاری به این تفاوت سلیقه ها فعلاً نداریم؛ ولی چیزی که هست، این است که قطعاً به دنبال زیبایی بودن خوب است؛ اینکه انسان بگردد و زیبایی حقیقی را هم در ظاهر و هم در باطن پیدا کند و استفاده، قطعاً یک کار پسندیده است و در پسندیده بودن و درست بودن این کار هرگز نباید شک کرد.

یکی از خلیقات خوب، زیبایی طلبی است؛ یعنی به دنبال زیبایی بودن، زندگی را زیبا کردن؛ هم ظاهر زندگی را و هم باطن زندگی را. (۱)

به زندگی هایمان هم که دقت کنیم، هر روزمان پُر است از سؤال های ریز و درشت. برای مسافرت چه کنیم و کجا برویم؟ اگر مهمانی در پیش داریم، برای آن مهمانی چه لباسی بپوشیم؟ در اداره با همکاران مان چگونه رفتار کنیم؟ درس چه بخوانیم و چه رشته و زمینه ای را برای ادامه تحصیل انتخاب کنیم؟ چگونه ازدواج کنیم و ملاک هایمان برای ازدواج چه باشد؟ و... .

این جوان هایی که تازه نامزد کرده اند را دیده اید؟ آن دسته ای که در دلدادگی آنقدر مشخص - بخوانید تابلو - هستند که از فاصله چند کیلومتری هم قابل تشخیص اند!

همان هفته های اول هر چیزی از رفتار و ظاهرشان که قابل تغییر باشد، طبق میل طرف مقابلشان تغییر می دهند مثلاً نگاه می کنند طرف مقابل از چه لباسی خوشش می آید، همان لباس را می پوشند. نگاه می کنند طرف مقابلشان کجا را برای تفریح دوست دارد، همانجا را برای

ص: ۳۴

گشت و گذار انتخاب می کنند و... .

زیاد بهشان نخندید! این رفتارشان یک قانون است. وقتی کسی را دوست داریم، سعی می کنیم طبق نظراو عمل کنیم. عاشق و دوستدار اگر واقعی باشد، آن کاری را می کند که معشوق و دلدارش دوست دارد؛ یعنی زیبایی شناسی اش می شود هر چیزی که معشوق زیبا بداند؛ آن گونه رفتار می کند که معشوقش می پسندد، آن چیزی را دوست دارد که معشوقش دوست دارد و حتی آن لباسی را به تن می کند و چیزی را می خورد که معشوقش می پسندد. تمام چشمش می شود معشوق ... عملش می شود معشوق و هرچه را معشوق زیبا بداند، عاشق هم همان را زیبا می داند. حالا می تواند آن چیزهایی که عاشق زیبا می داند، واقعاً چیزهای خوبی باشند و می شود نباشند، می شود برای عاشقی به خاطر علاقه معشوقش، علاقه به شهوات دنیا زیبا باشد و می شود برای عاشقی به خاطر علاقه به معشوقش، علاقه به شهوات دنیا زیبا نباشد.

### پنجره

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ.

و کسانی که به خدا ایمان آورده اند، نسبت به او محبت شدید دارند. (۱)

ص: ۳۵

---

۱- . بقره: ۱۶۵.

حالا می خواهیم به شما پیشنهاد بازیگری بدهیم؛ کلیات فیلم نامه و فرمولش را می گوییم، باقی اش به عهده خودتان، قبول؟

فرض کنید عاشق فردی هستید و در امور مختلف زندگی قرار می گیرید؛ در خرید، در پوشش، در خوراک، در تعامل با دیگران و... . بعد باید مانند همان نامزدها که از چند کیلومتری قابل تشخیص اند، باشید و هرچه معشوق تان زیبا دید، همان را انجام دهید. بعضی هاتان ذهنتان رفته سمت اینکه شخصیت مقابلتان کیست! حتماً هم دوست دارید یکی از بازیگران معروف مقابلتان باشد که بتوانید از عهده مسئولیت سنگین بازی کردن در نقش یک عاشق، به خوبی برآید! ایرادی ندارد، بازیگر مقابل شما عبارت است از: معشوق = خدا

زیاد به شخصیت مقابلتان فکر نکنید! مهم نیست! حالا که بازیگر مقابل تان مشخص شد، در این بازیگری تان از فرمول زیر پیروی کنید:

### پنجره

«آیا خدا + کاری که می خواهید انجام دهید + را زیبا می داند؟»

از این فرمول را در هر مسئله ریز و درشتی که برایتان پیش می آید، استفاده کنید.

«آیا خدا ملائک هایم برای ازدواج را زیبا می داند؟»، «آیا خدا تعطیلات، رفتن به جنگل را زیبا می داند؟»، «آیا خدا موسیقی پاپ را زیبا می داند؟» و... وقتی قرار است نقش عاشق را بازی کنید، باید مدام از خودتان بپرسید: آیا این کاری که می کنم، مطابق میل معشوقم هست؟ معشوقم این کار را زیبا می داند؟ از تصمیمم خوشحال می شود؟ عملی که انجام می دهم، مطابق میلش هست؟ و...

بنده واقعی کسی است که زیبایی شناسی اش با خدایش یکی باشد و عالم را همان گونه ببیند که خدایش دوست دارد؛ یعنی مثلاً حتی اگر می داند خدا فرش زیر پایش را زردرنگ می پسندد، او هم همان را پسندد. باور کنیم زیبایی شناسی عاشقانه در همین جزئیات زندگی هم جاری است. این جزئیات است که کل زندگی را نقش می کند.

حالا دیگر شما را با طرف نقش مقابل تان تنها می گذاریم تا حسابی برای بازی کردن حس بگیرید.

## پنجره

امام رضا می فرمایند:

كُونُوا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا.

مایه زینت و زیبایی باشید و نه مایه ننگ و زشتی. (۱)

ص: ۳۷



## فصل پنجم. درخواست های غیر عالمانه!

### اشاره

تصویر

□

ص: ۳۹

تصوير

□

ص: ٤٠



آدم ها پُر اند از حاجت و درخواست؛ این جزو خصوصیات زندگی اجتماعی آدمی است که آدم ها برای رفع احتیاجاتشان، به یکدیگر نیازمند هستند و از یکدیگر درخواست های گوناگونی دارند.

گاهی وقت ها انسان می داند یک چیزی برایش مفید است و آن را از دیگری درخواست می کند، یک وقت هایی هم هست نتیجه و نهایت کارش را نمی داند؛ یعنی پیش خودش فکر می کند اگر فلان درخواست را داشته باشد، برایش خوب است؛ اما اینکه واقعاً رسیدن به آن درخواست در آینده به نفعش خواهد بود یا نه ، نمی داند!

«خدایا آن خانه ۷۵ متری را برایم جور کن!»، «خدایا من حتماً باید مهندسی برق قبول بشوم، آرزویم را برآورده کن!»، «خدایا به دل این رئیس بینداز مرا بگذار معاون اداره!»، «خدایا کاری کن مادرم راضی بشود با همین کسی که دوست دارم، ازدواج کنم!» و... .

آیا یقین دارد رسیدن به آن خانه برایش خوب است؟ آیا یقین دارد اگر مهندسی برق قبول بشود، عاقبت بهتری دارد؟ آیا یقین دارد اگر معاون اداره بشود، برایش خوب است و به گناه کشیده نمی شود؟

آیا یقین دارد اگر با همان مورد ازدواج کند، در آینده خوشبخت خواهد شد؟!

هیچ انسانی نمی تواند نسبت به خودش و وضعیت و اتفاقاتی که برایش در آینده خواهد افتاد، یقین داشته باشد، برای همین قطعاً پاسخ سئوالات بالا «خیر» است.

برخی انسان ها اگر دست خودشان بود، قلم تقدیر را از خدا می گرفتند و خودشان هر چیزی که فکر می کردند برایشان خوب است را در تقدیرشان می نوشتند. مشکل اینجاست در آینده وقتی می دیدند خواسته هایشان به نفع آخرتشان نبوده است، خودشان را مقصر نمی دانند، به خدا می گویند: «تو که می دانستی به ضرر ماست، چرا خواسته مان را برآورده کردی؟!»

## پنجره

گاهی هرچه انسان دعا می کند، مستجاب نمی شود. علت چیست؟ روایات دینی، این مشکل را برای ما حل کرده اند؛ مثلاً در روایات آمده است اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا مستجاب نمی شود. بالأخره دعا هم شرایطی دارد. (۱)

روش دعا کردن و چگونگی خواستن از خداوند را نیز باید از خود دین

ص: ۴۲

---

۱- . بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه، ۲۸/۱۱/۱۳۷۳.

آموخت، (۱) برای همین است که فرمول دعا کردن این ونه است:

### پنجره

«خدایا اگر + خواسته ام + خیر و صلاحم هست + آن را به من بده!»

یعنی باید گفت: خدایا اگر خرید آن خانه ۷۵ متری (= خواسته ام) به خیر و صلاحم هست، آن را به من بده! خدایا اگر تحصیل در رشته مهندسی برق (= خواسته ام) به خیر و صلاحم هست، آن را به من بده! خدایا اگر معاون اداره شدن (= خواسته ام) خیر و صلاحم هست، آن را به من بده! و... :

### پنجره

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّي أَخْذُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ.

خدا فرمود: ای نوح! او از کسان تو که وعده نجات آنان به تو داده شده، نیست. خانواده تو به شرط اینکه صالح باشند، نجات می یابند. پسر تو زشت کردار است؛ پس مبادا آنچه را بدان علم نداری، از من بخواهی. من تو را پند می دهم که مبادا از جاهلان گردی. (۲)

ص: ۴۳

۱- امام علی می فرمایند: گفتم خدایا! مرا نیازمند هیچ یک از مخلوقات نکن. پس رسول خدا فرمود: ای علی! این گونه مگو! زیرا کسی نیست جز آنکه نیازمند به مردم باشد. پس گفتم: ای رسول خدا! پس چه بگویم؟ فرمود: بگو خدایا مرا به مردم بدت نیازمند نکن (بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۲۵).

۲- هود: ۴۶.

به نظر می رسد عاقلانه ترین کار و عالمانه ترین کار این است که قلم تقدیر را به دست صاحبش برگردانیم و بگذاریم خودش برایمان نقش کند هرچه که به خیر و صلاحمان است. این بهترین درخواست عالمانه از خداست. بگذاریم خدا هرچه خودش صلاح می داند، برای ما بنویسد. بگذاریم خدا هرچه را که می داند برای ما خوب است، به ما بدهد و بگذاریم خدا صدایمان را بیشتر و بیشتر بشنود و از دعا کردن هم خسته نشویم. شاید کسی شنیدن نجوای ما و حرف هایمان را دوست داشته باشد، شاید کسی از شوق شنیدن صدایمان، در اجابت دعاهایمان تأخیر می اندازد؛ کسی چه می داند؟!

## پنجره

امام رضا می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُؤَخِّرُ إِجَابَةَ الْمُؤْمِنِ شَوْقًا إِلَى دُعَائِهِ وَيَقُولُ: صَوْتُ أَحِبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ، وَيَعْجَلُ إِجَابَةَ دُعَاءِ الْمُنَافِقِ وَيَقُولُ: صَوْتُ

ص: ۴۴

خداوند اجابت دعای مؤمن را به شوق [شنیدن] دعایش به تأخیر می اندازد و می گوید: «صدایی است که دوست دارم آن را بشنوم» و در اجابت دعای منافق عجله می کند و می گوید: «صدایی است که از شنیدنش بدم می آید». (۱)

ص: ۴۵



## فصل ششم. در جست وجوی نقشه گنج!

اشاره

تصویر

□

ص: ۴۷

تصوير

□

ص: ٤٨



## وظیفه

ما آدم‌ها در طول زندگی بارها به جایی می‌رسیم که گیج می‌شویم و نمی‌دانیم چه باید بکنیم و وظیفه چیست؟ مثلاً فردی شک می‌کند وظیفه اش این است که درس بخواند یا برود بجنگد؟ اگر وظیفه اش درس خواندن است، چه رشته ای باید درس بخواند؟ اگر در میانه درس خواندن، مادرش مریض شد، دیگر وظیفه اش درس خواندن نیست و باید به مادر برسد؟ از کجا باید بفهمد در هر دروه ای وظیفه اش چیست؟!

## پنجره

«شهید چمران در» آن دانشگاهی که در کشور ایالات متحده امریکا مشغول درس های سطوح عالی بوده ... یکی از دو نفر برترین آن دانشگاه و آن بخش و آن رشته محسوب می شده ... آن وقت سطح ایمان عاشقانه این دانشمند آن چنان بود که نام و نان و مقام و عنوان و آینده دنیایی به ظاهر عاقلانه را رها کرد و رفت در کنار جناب امام موسی صدر در لبنان و مشغول فعالیت های جهادی شد ... از اول انقلاب هم در عرصه های حساس حضور داشت. رفت کردستان و در جنگ هایی که در آنجا بود،

ص: ۴۹

حضور فعال داشت؛ بعد آمد تهران و وزیر دفاع شد؛ بعد که جنگ شروع شد، وزارت و بقیه مناصب دولتی و مقامات را کنار گذاشت و آمد اهواز، جنگید و ایستاد تا در ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید. (۱)

پیدا کردن وظیفه، همان نقشه گنج است. اگر کسی وظیفه اش را بداند، می داند باید طبق نقشه گنج از چه مسیری عبور کند تا به گنج برسد؛ گنج همان رضایت خداست؛ یعنی انسان می خواهد بداند وظیفه اش چیست تا با عمل به آن وظیفه، رضایت خدا را به دست بیاورد. آدم وقتی نقشه گنجش را پیدا می کند، نوع زندگی اش تغییر می کند؛ یعنی به دنبال وظیفه بودن و وظیفه را پیدا کردن، در دلش نوعی از زندگی نهفته است؛ مثل شهید چمران، روزی وظیفه اش را در این می دید و نقشه گنجش می گفت که باید درس بخواند و دکتری فیزیک پلاسما، روزی دیگر نقشه گنج و وظیفه اش را در لبنان و جنگ با اسرائیل می دید و سرآخر هم در ستاد جنگ های نامظنم جنگ ایران و عراق و شهادت!

## پنجره

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.

جن و انس را نیافریدم، جز برای اینکه مرا عبادت کنند. (۲)

ص: ۵۰

---

۱- .بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه ها، ۲/۴/۱۳۸۹.

۲- .ذاریات: ۵۶.

نقشه اصلی و هدف از همه کارهایمان عبادت است و عبادت برای هر کس، روشی خاص می تواند داشته باشد؛ یکی با درس خواندن و دیگری با پرستاری از مادر. اگر چمران نمی رفت امریکا، اگر بعدش وظیفه اش را در جنگ با اسرائیل نمی دید و بعد هم در ستاد جنگ های نامنظم جنگ ایران و عراق، اساساً به گنجش که شهادت باشد، نمی رسید! پس فهمیدن این وظیفه و پیدا کردن این نقشه گنج، خیلی مهم است؛ برای همین فرمولش را پیدا کردیم و این فرمول کمک می کند تا نقشه گنج مان را راحت تر پیدا کنیم:

## پنجره

«تو» + استعدادها و علایق + شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... = وظیفه ات = نقشه گنج

خداوند براساس استعدادهایی که به انسان می دهد، او را بازخواست می کند. وقتی خدا در وجود آدمی استعدادی قرار می دهد، در قبال آن انسان را هم مسئول می داند که از آن استعداد در جهت اهداف الهی استفاده کند؛ بعد این استعداد و دانستنش به تنهایی کافی نیست. این

ص: ۵۱

شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است که مکمل استعداد می شود برای پیدا کردن وظیفه و نقشه گنج. لزوماً هر چیزی که انسان درون آن استعداد داشت، نقشه گنج نیست! گاهی وقت ها شرایط سیاسی ایجاب می کند فردی درس را رها کند، برود به جنگ! گاهی شرایط فرهنگی ایجاب می کند فردی رشته مهندسی و پزشکی را رها کند و برود رسانه بخواند، در حالی که می توانست پزشک و مهندس خوبی بشود. گاهی شرایط خانوادگی باعث می شود فردی کارش رها کند و به پرستاری از پدر و مادر مریضش پردازد، در صورتی که اگر به کارش ادامه می داد، در آن کار جزء موفق ترین انسان ها می شد. مهم این است که در برابر اوامر الهی تسلیم باشیم؛ حتی اگر عقلمان درک نکند. مهم این است که حتی اگر دلیل اوامر خداوند را نمی فهمیم، به آن عمل کنیم! تسلیم، بدون چون و چرا کردن.

## پنجره

امام رضا می فرمایند:

شِيعَتُنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا الْأَخْذُونَ بِقَوْلِنَا الْمُخَالَفُونَ لِأَعْدَائِنَا فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا.

شیعیان ما کسانی اند که در برابر امر و نهی ما تسلیم باشند و هر که چنین نباشد، از ما نیست. (۱)

ص: ۵۲

سخت است! عمل کردن سخت است و حرف زدن آسان؛ اما هر کس وقتی وجدانش را بگذارد روبه رویش و از خودش سؤال کند، می فهمد وظیفه اش چیست. وظیفه ها با توجه به روزگار مثل مسافری می ماند که مقصدش مشهد است و روزی از مسیر قم و تهران راه مشهد پیش می گیرد و روزی متوجه می شود باید از مسیر یزد به مشهد برود. همه این راه ها انتهایش یک چیز است؛ مشهد. انتهای مسیر به یک جا ختم می شود؛ ولی مسیرها مختلف هستند؛

دعا کنیم که مسیرمان را درست انتخاب کنیم.

### خلاصه

حالا- می دانی که باید همه چیز را از خدا بدانی و خود را هیچ ندانی و "من" نباشی . حالا- می دانی که در این عالم اصل خداست و هر چه می کنی باید فقط برای خدا باشد و می دانی که باید بنده باشی و بندگی یعنی انجام دادن کارها و دستورات خدا بدون چون و چرا . حالا دعا که می کنی در دعاهایت از خدا می خواهی هر چه را خیر و صلاح است برایت مقدر کند نه آنچه که تو فکر می کنی صلاح است و ...

" به رنگ خدا" تمام ی شود و "تو" می مانی و عمل کردن به چیزهایی که در این دفتر یاد گرفته ای.

۱. دعا از منظر رهبر انقلاب . علیرضا برازش ، انتشارات انقلاب اسلامی

۲. آزادی معنوی . مرتضی مطهری، انتشارات صدرا

۳. پرسمان رضوی جلد ۷. سبک زندگی {منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام} معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی  
آستان قدس رضوی

۴. چرا دعایم مستجاب نمی شود؟ مجموعه رهنما ج ۹۸. عبدالله محمدی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس  
رضوی

۵. شهر خدا. علیرضا پناهیان، انتشارات بیان معنوی

ص: ۵۴

تصوير

□

ص: ٥٥

تصوير

□

ص: ٥٦



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

